

حمایت آلمان از اسرائیل: بازنویسی مسئولیت هولوکاست

سیاست حمایت بی‌قید و شرط آلمان از اسرائیل، که به عنوان **Staatsräson** قاب‌بندی شده، اغلب با احساس گناه نسبت به هولوکاست—نسل‌کشی شش میلیون یهودی—توجیه می‌شود. اما این روایت، انگیزه‌های خودخواهانه‌ای را پنهان می‌کند که هدفشان بازنویسی تاریخ با سرزنش فلسطینی‌ها، به‌ویژه حاج امین الحسینی، است. آلمان با سوءاستفاده از سکوت مردگان و سرکوب مخالفان زنده، گناه خود را منحرف می‌کند. این مقاله استدلال می‌کند که حمایت از اسرائیل بیشتر به منافع آلمان خدمت می‌کند تا کفاره‌ای اخلاقی.

Staatsräson و روایت گناه هولوکاست

از دوران پس از جنگ جهانی دوم، آلمان با پرداخت غرامت و حمایت از اسرائیل به دنبال پذیرش مسئولیت خود در قبال هولوکاست بوده و آن را به عنوان یک وظیفه اخلاقی معرفی کرده است. مرکل، صدراعظم، در سال ۲۰۰۸ امنیت اسرائیل را بخشی از **Staatsräson** نامید، موضعی که اولاف شولتز تأیید کرد. در سال ۲۰۲۴، شولتز اعلام کرد که حتی اگر نتانیا‌هو یا گالانت به دلیل جنایات جنگی در غزه تحت تعقیب دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) باشند، در صورت سفر به آلمان دستگیر نخواهند شد. آلمان همچنین اعتراضات ضد نسل‌کشی را سرکوب کرده و آن‌ها را یهودستیزانه می‌خواند. این نشان‌دهنده انگیزه‌هایی فراتر از گناه است، از جمله بازنویسی تاریخ با متهم کردن فلسطینی‌ها. سکوت آلمان در برابر تحریف‌ها، مانند اغراق در نقش حسینی، استراتژی انحراف گناه را می‌رساند.

تحریف تاریخی: سرزنش حاج امین الحسینی

حاج امین الحسینی، مفتی اعظم اورشلیم (۱۹۲۱–۱۹۳۷)، از سال ۱۹۴۱ با نازی‌ها همکاری کرد، پروپاگاندا یهودستیزانه تولید کرد و برای واحدهای اس‌اس نیرو جذب نمود. مطالعات جفری هرف (۲۰۱۶)، دیوید موتادل (۲۰۱۴) و عوفر آدرت (۲۰۱۵) تأیید می‌کنند که او هیچ تأثیری بر تصمیم‌گیری‌های هولوکاست نداشت. نسل‌کشی در سال ۱۹۴۱ آغاز شد، پیش از دیدار او با هیتلر در نوامبر ۱۹۴۱، و توسط ایدئولوژی نازی از نبرد من (۱۹۲۵) هدایت شد و توسط هیملر، هایدریش و آیشمن اجرا شد.

با این حال، ادعاهایی که نقش حسینی را اغراق‌آمیز می‌کنند، ادامه دارند. در سال ۲۰۱۵، نتانیا‌هو ادعا کرد که حسینی هیتلر را به نسل‌کشی ترغیب کرد، ادعایی که توسط یاد و شم رد شد. سکوت آلمان در برابر این تحریف‌ها روایتی را تقویت می‌کند که فلسطینی‌ها را به جنایات نازی مرتبط می‌کند. حسینی در سال ۱۹۷۴ درگذشت و نمی‌تواند اتهامات را رد کند، و این او را به یک بلاگردان ایده‌آل تبدیل می‌کند.

انگیزه‌های خودخواهانه پشت سیاست آلمان

حمایت آلمان از اسرائیل به چندین هدف خودخواهانه خدمت می‌کند:

۱. تصویر جهانی: اتحاد با اسرائیل آلمان را به عنوان کشوری اصلاح شده نشان می‌دهد و نقش آن به عنوان عامل هولوکاست را Overshadow می‌کند. ۲. انحراف گناه: تحمل افسانه‌های حسینی توجه را از مسئولیت آلمان، که شامل ۲۰۰,۰۰۰ تا ۵۰۰,۰۰۰ عامل بود (USHMM)، منحرف می‌کند. ۳. کنترل داخلی: ممنوعیت اعتراضات حامی فلسطین (۲۰۲۳-۲۰۲۴) بحث را سرکوب می‌کند و Staatsräson را به عنوان وظیفه‌ای مطلق تقویت می‌کند. ۴. ژئوپلیتیک: حمایت از اسرائیل با منافع آمریکا هم‌راستا است و شراکت‌های اقتصادی و نظامی را تضمین می‌کند.

این انگیزه‌ها نشان می‌دهند که سیاست آلمان برای به حداقل رساندن گناه تاریخی است.

خاموش کردن مردگان و زندگان

سرزنش حسینی از مرگ او سوءاستفاده می‌کند—او نمی‌تواند اعتراض کند. همزمان، آلمان با سرکوب اعتراضات ضد نسل‌کشی، که آن‌ها را یهودستیزانه می‌خواند، صدای زندگان را خاموش می‌کند. این انتقاد از اسرائیل را با انکار هولوکاست برابر می‌داند و بحث درباره غزه را، جایی که از سال ۲۰۲۳ بیش از ۴۰,۰۰۰ نفر کشته شده‌اند (سازمان ملل)، خفه می‌کند. فلسطینی‌های آلمان با نظارت و محدودیت مواجه‌اند که حاشیه‌نشینی آن‌ها را تشدید می‌کند. این خاموشی دوگانه روایتی را تقویت می‌کند که فلسطینی‌ها را مقصر می‌داند و سیاست‌های آلمان را توجیه می‌کند.

مسئولیت واقعی: مواجهه صادقانه با گذشته

گناه آلمان در قبال هولوکاست نیازمند مواجهه صادقانه است، نه سرزنش فلسطینی‌ها. نسل‌کشی جرمی آلمانی بود، همان‌طور که دادگاه‌های نورنبرگ تأیید کردند. برای کفاره، آلمان باید: - افسانه‌های حسینی را افشا کند تا از سرزنش فلسطینی‌ها جلوگیری شود. - بحث آزاد درباره اقدامات اسرائیل را بدون برچسب یهودستیزی مجاز کند. - حمایت از رهبران متهم به جنایات جنگی را به صورت انتقادی ارزیابی کند.

عدم انجام این کار Staatsräson را به ابزاری برای منافع آلمان تبدیل می‌کند، نه وظیفه‌ای اخلاقی.

نتیجه‌گیری

حمایت آلمان از اسرائیل، که با گناه هولوکاست توجیه می‌شود، استراتژی خودخواهانه‌ای برای بازنویسی تاریخ است. با تحمل تحریف‌ها درباره حسینی و سرکوب مخالفان، آلمان فلسطینی‌ها را سرزنش می‌کند، از سکوت مردگان سوءاستفاده می‌کند و زندگان را به حاشیه می‌راند. این مسئولیت انحصاری آلمان در قبال هولوکاست را منحرف می‌کند و به بازسازی بین‌المللی، کنترل داخلی و اهداف ژئوپلیتیک خدمت می‌کند. کفاره واقعی نیازمند رد تحریف‌ها و تقویت صدای حاشیه‌نشینان است، نه تداوم روایتی که گناه آلمان را به قیمت عدالت تاریخی پنهان می‌کند.